



# ۱ علوم و فنون ادبی

پایہ دہم  
رشتہ علوم انسانی

مؤلف

سعید قدردان

# فرمولہ پیسٹ



# فرمول پست

۵  
نمونه  
امتحانی

۱۰۰۰  
پرسش  
تشریحی

۱۱۰  
صفحه  
درسنامه



+۶  
ساعت  
فیلم  
آموزشی  
ویژه  
شب  
امتحان



تهران، میدان انقلاب  
دفتر بازارچه کتاب  
[www.gajmarket.com](http://www.gajmarket.com)

## پیشگفتار

آیا برتری یک داستان افسانه‌ای است؟  
 آیا این یک آرزوی بی‌ربط به واقعیت  
 است؟ در این کتاب، من شما را به  
 دنیای برتران دعوت می‌کنم...»  
 (برتری، رابرت گرین)

### سلام دوست من!

همان طور که می‌دانی، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین درس رشته انسانی «علوم و فنون ادبی» است. این کتاب، طوری به نگارش درآمده است که می‌توانی با استفاده از آن، هم در آزمون‌های نهایی، هم در آزمون‌های کلاسی و تستی سربلند شوی؛ مفضل و جامع (جی از این بهتر!)

### ساختار کتاب:

**درس‌نامه:** شامل نکات مهم کتاب، تحلیل تمام بیت‌ها و متن‌های کتاب درسی، پاسخ کامل به سؤالات خودارزیابی و کارگاه‌های تحلیل فصل

**سؤالات تشریحی:** شامل سؤالات استاندارد، شبه‌نهایی، نهایی و کنگور سراسری در قالب پرسش‌های درست و نادرست، جای خالی، وصل کردنی، گزینه‌ای، پاسخ کوتاه و کامل (نزدیک به ۱۰۰۰ سؤال) + پاسخنامه کامل و جامع

**سؤالات نهایی:** به منظور آشنایی شما خوبان، در پایان کتاب مجموعه‌ای از سؤالات شبه‌نهایی و نهایی اخیر قرار داده شده است.

بارم‌بندی علوم و فنون ادبی در امتحانات نهایی		
ردیف	موضوع	نمره
۱	تاریخ ادبیات	۲
۲	سبک‌شناسی	۲
۳	زیبایی‌شناسی	۶
۴	موسیقی شعر	۶
۵	نقد و تحلیل نظم و نثر	۴
جمع		۲۰

### سخن آخر:

از استاد سعید ایرانزاد و شاگردان خوبم آقایان علی اصغر نعمتی و امیرعباس رضایی بابت بازبینی کتاب صمیمانه سپاسگزارم؛ توفیق رفیق راهتان باد!  
 و همسر: مگه تقدیر از این زیباتر هست / که با من باشی آرامش بگیرم ...

سعید قدردان

## فهرست

پاسخ	سوالات	درسنامه
۱۹۸	۱۵	۶
۲۰۰	۳۴	۲۳
۲۰۲	۵۴	۴۰
۲۰۵	۶۷	۶۱
۲۰۷	۷۹	۷۳
۲۱۱	۹۲	۸۵
۲۱۴	۱۰۶	۹۸
۲۱۸	۱۳۱	۱۱۴
۲۲۴	۱۳۷	۱۲۶
۲۲۷	۱۵۰	۱۴۳
۲۲۹	۱۶۷	۱۵۶
۲۳۲	۱۸۹	۱۷۵

درس اول: میانی تحلیل متن
درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی
درس سوم: واج آرایی، واژه آرایی
درس چهارم: تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های ...
درس پنجم: هماهنگی پاره‌های کلام
درس ششم: سجع و انواع آن
درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی)
درس هشتم: وزن شعر فارسی
درس نهم: موازنه و ترصیع
درس دهم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های ...
درس یازدهم: قافیه
درس دوازدهم: جناس و انواع آن

## امتحان نهایی



۲۳۶	آزمون ۱: نوبت دوم
۲۳۹	آزمون ۲: نوبت دوم
۲۴۲	آزمون ۳: خرداد ماه ۱۳۹۹ (خارج از کشور)
۲۴۴	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۳
۲۴۸	آزمون ۵: خرداد ماه ۱۴۰۳ (خارج از کشور)
۲۵۱	پاسخ‌نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵

## شب امتحان





۱

بخش



# درسنامه

و سوالات تشریحی

## درس اول



# مبانی تحلیل متن

صفحه ۱۲ و ۱۳ کتاب درسی

## بسته اول



- هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد **متن** است.
- هنگامی که از متن سخن می‌گوییم، خواست ما فقط نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست.
- هر کدام از موارد زیر متن به شمار می‌آیند:
  - بویی که حس می‌کنیم؛ مثل بوی عطر
  - رویدادی که می‌بینیم؛ مثل بازی فوتبال
  - مزه‌ای که می‌چشیم؛ مثل مزه غذاها
  - چیزی که لمس می‌کنیم؛ مثل سردی و گرمی
- متن‌ها **شنیداری**، **بویایی**، **دیداری** و ... هستند.
- کتاب‌ها:
  - معمولاً **متن‌های دیداری** به شمار می‌آیند.
  - اگر **خوانده** شوند به آن‌ها **متن‌های شنیداری** یا **خوانداری** می‌گوییم.
- در کتاب علوم و فنون دهم مقصود از متن آثار شعر و نثر فارسی است.
- برای شناخت و ارزیابی متون، لازم است معیارهایی طراحی گردد و روش کار بیان شود. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها این است که متن از سه دیدگاه **زبان**، **ادبیات** و **فکر** یعنی در سه قلمرو بررسی شود:
  - ۱ قلمرو زبانی ۲ قلمرو ادبی ۳ قلمرو فکری
- متون یا آثار مکتوب ادبی به دو بخش تقسیم می‌شوند:
  - ۱ شعر ۲ نثر

سؤال در بررسی و تحلیل متن (شعر و نثر) باید چه نکاتی را مورد توجه قرار دهیم؟

- پاسخ ۱ خوانش ۲ شناسایی و استخراج نکات زبانی ۳ شناسایی و استخراج نکات ادبی ۴ شناسایی و استخراج نکات فکری ۵ نتیجه‌گیری و تعیین نوع

صفحه ۱۳ تا ۱۸ کتاب درسی

## بسته دوم



## خوانش شعر

- نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون، **خواندن دقیق متن** است.
- **پیش** از خوانش متن، ابتدا نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام برای **کشف لحن و آهنگ** ضروری است.
- **پس** از شناسایی **لحن** مناسب با حال و هوای محتوای اثر، **خواندن** اتفاق می‌افتد؛ پس لازم است تمام اثر **یک باره و بی‌گسست** خوانده شود تا درک ارتباط طولی و فهم محتوایی دچار اختلال نشود.



### شناسایی و استخراج نکات زبانی (قلمرو زبانی)

برای بررسی و استخراج نکات زبانی باید به موارد زیر توجه کنیم:

- ۱ زبان شعر ساده است یا دشوار؟
- ۲ جمله‌ها کوتاه هستند یا طولانی؟
- ۳ وجود واژگان کهن در متن مانند: دستار، گلخن و ...
- ۴ کمی یا بسیاری واژگان فارسی یا غیرفارسی (عربی، انگلیسی و ...)
- ۵ کاربرد شبکه معنایی مانند مهر و سجاده و نماز
- ۶ ترکیب سازی؛ مانند «روبه بازی»
- ۷ کاربرد تاریخی دستور؛ مانند:

- کاربرد «همی» به جای «می»
- استفاده از «و حرف اضافه برای یک متمم» مانند: به باغ اندر
- «اندر» به جای در
- استفاده از «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده مانند: بگفت، بشنید

۸ واژگان شعر ساختمان ساده دارند یا غیرساده؟ مانند:

- ساده: دام، کتاب
- غیرساده: دامداری، کتابخانه

### شناسایی و استخراج نکات ادبی

برای بررسی و استخراج نکات ادبی باید به موارد زیر توجه کنیم:

- ۱ قالب شعر چیست؟ مانند مثنوی، غزل، قطعه، قصیده و ...
- ۲ یافتن واژگان قافیه و ردیف شعر
- ۳ یافتن آرایه‌های ادبی مانند کنایه، تشبیه، تشخیص، جناس و ...

### شناسایی و استخراج نکات فکری

به طور کلی در شناسایی و استخراج نکات فکری باید به موارد زیر توجه کنیم:

- ۱ معنی و مفهوم شعر به زبان ساده
- ۲ شعر شادی‌گراست یا غم‌گرا؟ (نگاه شاد یا غمگین به جهان)
- ۳ شاعر خرد را ستایش می‌کند یا عشق را؟
- ۴ شعر عرفانی است یا طبیعت‌گراست یا ...؟
- ۵ شاعر خوش بین است یا بدبین؟
- ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها و گرایش‌ها و نوع نگرش شاعر به جهان در بررسی قلمرو فکری صورت می‌گیرد.
- ۶ شعر محلی است یا میهنی یا جهانی؟
- ۷ وطن پرستی و میهن‌دوستی
- ۸ پرهیز از ریاکاری و فریب
- ۹ اعتقاد به قضا و قدر

### نتیجه‌گیری و تعیین نوع

- دریافت پیام‌ها و تشخیص نوع ادبی متن (تعلیمی - غنایی - حماسی - داستانی)
- در این مرحله مجموعه اطلاعاتی که در مراحل قبلی از متن به دست آورده‌ایم، جمع‌بندی می‌کنیم و نتیجه‌گیری نهایی خود از متن را ارائه می‌دهیم.

### بیشتر بدانیم

دانش‌آموز عزیز، این قسمت در کتاب درسی نیامده است و برای آگاهی بیشتر شما آمده است.

### انواع ادبی

**حماسی:** شعری است داستانی با زمینه قهرمانی و حوادثی که بیرون از عادت جریان دارد؛ مثل شاهنامه فردوسی.

**داستانی:** مجموعه داستان‌های سنتی و معاصر؛ مثل قصه‌های مجید، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین.

**پایداری:** محتوای این نوع ادبیات رویارویی با عوامل استبداد داخلی، تجاوز بیگانگان و دشمنان است؛ مثل مقاومت شجاعانه ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس یا نهضت عاشورا یا ادبیات مقاومت فلسطین.

**غنایی:** نوعی از ادبیات که با زبانی نرم و لطیف به بیان احساسات شخصی می‌پردازد؛ مثل خسرو و شیرین، مثنوی مولوی، لیلی و مجنون و ... (بخش زیادی از ابیات رودکی، شهید بلخی، سعدی و حافظ از این نوع‌اند).

**تعلیمی:** نوعی از ادبیات که محتوای آن‌ها آموزش‌های اخلاقی و اجتماعی یا علمی است و بیش‌تر به صورت پند و اندرز بیان می‌شود؛ مثل مثنوی مولوی، گلستان و بوستان سعدی.

**عرفانی:** بخش بزرگی از ادبیات فارسی به این نوع ادبی اختصاص دارد. عشق اصلی‌ترین موضوع عرفان است و عاشق کسی است که جز معشوق را نمی‌بیند. بیش‌تر غزلیات حافظ، سنایی، مولوی و ... از این نوع‌اند.

**نوجه** یک اثر می‌تواند هم‌زمان چند نوع ادبی داشته باشد؛ برای مثال مثنوی مولوی هم عرفانی است هم تعلیمی هم داستانی هم غنایی.



• قدیم‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته است، آنها از چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی سخن گفته‌اند، این تقسیم‌بندی مبتنی بر شعر بود و جنبه محتوایی داشت.

### بررسی شعر (صفحه ۱۳ تا ۱۶ کتاب درسی)

سؤال شعر زیر را به دقت بخوانید و قلمرو زبانی و ادبی و فکری آن را بررسی کنید.

به دام افتاد روباهی سحرگاه  
که کر صیاد بیند هم چنینم  
پس آن‌که مرده کرد او خوشتن را  
چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت  
ز بن بپرید حالی گوش او لیک  
به دل، روباه گفت: ترک غم گیر  
یکی دیگر بیاید، گفت: این دم  
در کس گفت: ما را از همه چیز  
نزد دم، تا که آهن در فلندند  
به دل، روباه گفت: کر بانم  
در کس آمد و گفت: اختیار است  
چو نام دل شنید از دور روباه  
به دل می‌گفت، با دل نیست بازی  
بگفت این و به صد داستان و تزویر  
حدیث دل، حدیث بس کلفت است

به روبه‌بازی اندیشید در راه  
دهد حالی به گازر پویشتم  
ز بیم جان، فرو افکند تن را  
نمی‌یادست روبه را کم انگاشت  
که گوش او به کار آید مرا نیک  
چو زنده مانده‌ای، یک گوش کم گیر  
زبان او به کار آید مرا هم  
به کار آید همی دندان او نیز  
به سخی چند دندانش بکنند  
نه دندان باش و نه گوش و زبانم  
دل روبه، که رنجی را به کار است  
جهان بر چشم او شد تیره، آن گاه  
کنون باید به کارم جیل‌سازی  
بجست از دام، هم‌چون از کان، تیر  
که در عالم، حدیث در گرفت است

ابهی نامه عطار نیشابوری

پاسخ قلمرو زبانی:

- وجود واژگان کهن: گازر، نمی‌یادست
- کمی واژگان غیرفارسی
- ترکیب‌سازی: روبه‌بازی، حبله‌سازی
- کاربردهای تاریخی دستور: مرده کرد، به کار آید همی، نمی‌یادست... کم انگاشت
- کاربرد شبکه معنایی: حبله، داستان، تزویر، دام - دل، زبان، گوش، دندان
- زبان شعر ساده و جمله‌ها کوتاه است؛ مانند «به دام افتاد روباهی سحرگاه» و «به روبه‌بازی اندیشید در راه»
- بیش‌تر واژگان شعر ساختمان ساده دارند؛ مانند: دام، روباه، صیاد، گازر، گوش و ...

قلمرو ادبی:

- از قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع یک بیت می‌فهمیم که قالب شعر مثنوی است.
- در تمام ابیات قافیه و در بعضی بیت‌ها ردیف وجود دارد.
- استفاده از آرایه‌های ادبی؛ مانند: کنایه: ترک غم گرفتن، دم زدن، جهان بر چشم او تیره شدن / تشبیه: بجست از دام، هم‌چون از کمان تیر / مراعات‌نظیر: دندان، گوش و زبان / جناس: چیز، نیز / واژه‌آرایی (تکرار): دل





### قلمرو فکری:

- از مقایسه اجزای بدن «گوش، زبان و دندان» با «دل» و برتری دادن دل به همه اجزا در این شعر به این نکته پی می‌بریم که شاعر «دل» را جایگاهی با اهمیت می‌داند و به همین سبب می‌گوید: «با دل نیست بازی»
  - شاعر می‌خواهد به ما بگوید که همه چیز وجود ما «دل» است و گران‌بهایی دل به سبب این است که خانه و جایگاه خداوند است.
  - در بیت پایانی، نتیجه‌گیری عرفانی شاعر آشکار می‌شود.
- نتیجه‌گیری و تعیین نوع:
- شعر، ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد اما نتیجه‌گیری پایانی، مفهومی ذهنی و معنوی است.
  - با توجه به حکمت و معرفتی که در شعر نهفته است و شاعر برای بیان آن از ظرف داستانی بهره گرفته است، در مجموع می‌توان این شعر را در رده ادبیات تعلیمی جای داد.

### بررسی نثر (صفحه ۱۶ تا ۱۸ کتاب درسی)

#### سؤال نثر زیر را بخوانید و آن را از نظر قلمرو زبانی، ادبی و فکری بررسی کنید.

«چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلائق (موجودات) است و قدر ایتام (روزها) عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک (خوب) بنگریستم (نگاه کردم)؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر (کوچک) است که مردمان (انسان‌ها) بدان، مبتلا گشته‌اند. هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم‌چون آن مرد است که از پیش‌اُشتر (بشتر) مست بگریخت (فرار کرد) و به ضرورت (به ناچار)، خویشتن در چاهی آویخت (آویزان کرد) و دست در دو شاخ (شاخه) زد که بر بالای آن روییده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر بنگریست (نگاه کرد)، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر (تپه) چاه افکند، ازدهایی سهمناک (ترسناک) دید؛ دهان گشاده و افتادنی او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات (توجه) نمود. موشان (موش‌ها) سیاه و سپید، بیخ (ریشه) آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای (میان) این، تدبیر می‌اندیشید (چاره‌اندیشی می‌کرد) و خلاص (رهایی) خود را طریقی می‌جست (جست‌وجو می‌کرد). پیش خویش، زنبور خانه‌ای (کنده) و قدری شهد (عسل) یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت (شیرینی) آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند و موشان در بریدن شاخ‌ها، چِد بلیغ (کوشش بسیار) می‌نمایند و ... چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.

پس، من دنیا را بدان چاه پُر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت (ادامه دادن، پافشاری) ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز و آن چهار مار را به طایع (طیغ‌ها، مزاح‌ها) که عماد (ستون) خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل (کشنده) باشد و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذت این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه (همایا) بدو باید پیوست و آن‌گاه ندامت (پشیمانی)، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.»

#### کلیده و دمنه، باب برزویه طیب

#### پاسخ قلمرو زبانی:

- کاربردهای کهن واژگان: اُشتر، شاخ، بنگریست، نتوان دانست
- بیش‌تر جمله‌ها، کوتاه و قابل فهم هستند.
- جدانویسی نشانه منفی‌ساز فعل «ن»: «نه اندیشید» (امروزه «نیندیشید» می‌نویسیم).
- کاربرد کلمه «قاتل» در معنی کشنده برای غیرانسان (امروزه فقط برای کشتن انسان به کار می‌رود).
- جمع کلمه «موش» با نشانه «ان»: موشان
- به‌کارگیری «شهد» در معنی «عسل» («شهد» امروزه به معنای عصاره میوه است).
- کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله «خلاص خود را طریقی می‌جست»
- ترکیب «زنبورخانه» به معنی «لانه زنبور» (امروزه «کنده» می‌گویند).

#### قلمرو ادبی:

- مراعات نظیر: شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور و حلاوت
- تضاد: سیاه و سفید - پا و سر - سر و قعر در ترکیب «سر چاه و قعر چاه» - زهر و شیرینی (شهد) - رنج و لذت - اندک و بسیار
- بهره‌گیری از تمثیل (برای بیان مفهوم غفلت انسان)

۱. واژگان کهن: به واژگانی می‌گویند که امروزه کاربرد ندارند مانند: دستار، گلخن

۲. کاربرد کهن واژگان: این تعبیر زمانی به کار می‌رود که واژه ماکهنه و قدیمی نیست اما در گذشته با کمی تغییر کاربرد داشته است؛ مثل «شاخه» که به شکل «شاخ» به کار می‌رفت.

قلمرو فکری:

- ۱ شریف بودن انسان در میان مخلوقات
  - ۲ گران بها بودن لحظات عمر
  - ۳ هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر
  - ۴ نویسنده در این حکایت از یک سو، به جایگاه و ارزش انسان، نگاهی مثبت و خوش بینانه دارد و از سوی دیگر نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر، نگرش منفی دارد.
  - ۵ این حکایت، نگرش حکمی و تعلیمی دارد و مقصود نویسنده بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن جهان است.
- نتیجه‌گیری و تعیین نوع:

- نویسنده، این فکر را به خواننده انتقال می‌دهد که:
- ۱ نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد.
  - ۲ قدر لحظه لحظه عمر خویش را بداند.
  - ۳ هوشیاری خود را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که گرفتار غفلت گردد.
  - ۴ سعادت و نیک‌بختی راستین، کسب خشنودی خدای بزرگ است.
  - ۵ این متن نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی است.

تحلیل ابیات موجود در درس اول

عطار نیشابوری

ب دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه‌بازی اندرشد در راه

قلمرو زبانی ترکیب‌سازی: روبه‌بازی

قلمرو ادبی قالب شعر: مثنوی / شعر قافیه و بعضی ابیات ردیف دارد / «روبه‌بازی»: کنایه از مکر و فریب و حيله‌گری / واج‌آرایی «آ»

قلمرو فکری معنی: روباهی سحرگاه به دام افتاد و در راه به فکر فریب و حيله‌گری افتاد تا نجات یابد.

عطار نیشابوری

که گر صیاد یزند هم‌چنینم / دهد حالی به گازر پوتینم

قلمرو زبانی گازر: رخت‌شو، لباس‌شو / حالی: فوراً / وجود واژگان کهن: گازر، حالی

قلمرو فکری معنی: روباه پیش خود گفت که اگر شکارچی من را این چنین زنده ببیند فوراً من را به رخت‌شوی و پوستین فروش می‌دهد.

عطار نیشابوری

پس آن‌که، مرده‌کرد او خویشتن را / ز بیم جان، فرو آکنند تن را

قلمرو زبانی بیم: ترس / کاربرد تاریخی دستور: «مرده‌کرد»: خودش را به مردن زد، به کارگیری ضمیر «او» برای غیرانسان

قلمرو ادبی ردیف: را / مراعات نظیر: جان و تن

قلمرو فکری معنی: برای همین خودش را به مردن زد و از ترس جان، خود را رها در زمین انداخت

عطار نیشابوری

چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت / نمی‌یارست روبه را کم انگاشت

قلمرو زبانی وجود واژگان کهن: «نمی‌یارست»: نمی‌توانست / کاربرد تاریخی دستور: «نمی‌یارست... کم انگاشت»: نمی‌توانست دست‌کم بگیرد.

قلمرو فکری معنی: وقتی شکارچی آمد، تصور کرد که او مرده است اما نتوانست روباه را دست‌کم بگیرد. (بی ارزش تلقی کند و رهایش کند).

عطار نیشابوری

ز بن برید حالی گوش او لیک / که گوش او به کار آید مرا نیک

قلمرو زبانی بن: ته / لیک: ولی / استفاده از «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده: برید / واژگان کهن: «حالی»: فوراً

قلمرو ادبی لیک، نیک: جناس / واژه‌آرایی (تکرار): گوش، او

قلمرو فکری معنی: فوراً گوش او را از ته برید و گفت گوش او روزی به کار من می‌آید.





## عقار نیشابوری

ب دل، روباه گفتا: ترک غم کیر  
چو زنده مانده‌ای، یک گوش کم کیر

قلمرو زبانی واژگان کهن: «حالی»: فوراً

قلمرو ادبی غم، کم: قافیه / گیر، کیر: قافیه (این بیت ردیف ندارد و دارای دو قافیه است: ذوقافیتین)، «گیر» مصراع اول: بگیر، «کیر» مصراع دوم: فرض کن: جناس همسان / غم، کم: جناس / «ترک غم گرفتن»: کنایه از غمگین نبودن / دل و گوش: مراعات نظیر

قلمرو فکری معنی: روباه به خودش گفت: غمگین نباش، اگر زنده بمانی بهتر است تا این که یک گوش کم تر داشته باشی.

## عقار نیشابوری

یکی دیگر باید، گفت: این دم  
زبان او به کار آید مرا هم

قلمرو زبانی استفاده از «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده: «بیامد»

قلمرو ادبی دم، هم: جناس / دم: مجاز از لحظه / «به کار آید»: کنایه از به درد می خورد، قابل استفاده است.

قلمرو فکری معنی: شکارچی دیگری آمد و گفت: در این لحظه زبان او نیز به درد من می خورد.

## عقار نیشابوری

زبانش را برید آن مرد، نگاه  
نمود از بیم جان یک ناله روباه

قلمرو زبانی همهٔ واژگان فارسی‌اند.

قلمرو ادبی جان، آن: جناس

قلمرو فکری معنی: ناگهان آن مرد زبان روباه را برید اما روباه از ترس جانش ناله هم نکرد.

## عقار نیشابوری

دگر کس گفت: ما را از همه چیز  
به کار آید بهی دندان او نیز

قلمرو زبانی کاربرد تاریخی دستور: «همی آید» به جای «می آید» / همهٔ واژگان فارسی‌اند.

قلمرو ادبی چیز، نیز: جناس

قلمرو فکری معنی: شکارچی دیگری آمد و گفت: از این همه اندام، دندان روباه به کار من می آید.

## عقار نیشابوری

نزد دم، تا که آهین درکنند  
به سختی چند دندانش بکنند

قلمرو زبانی درکنند: انداختند / کاربرد تاریخی دستور: استفاده از «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده: بکنند

قلمرو ادبی «دم نزد»: کنایه از سخن نگفت / آهین: مجاز از گاز انبر

قلمرو فکری معنی: روباه هیچ سخنی نگفت تا این که گاز انبر انداختند و به سختی چند دندان روباه را کردند.

## عقار نیشابوری

ب دل، روباه گفتا: گر بانم  
نه دندان باش و نه گوش و زبانم

قلمرو زبانی بانم: زنده بمانم / کاربرد شبکهٔ معنایی: دل، زبان، دندان، گوش / به کار بردن «الف» در پایان فعل «گفتا»

قلمرو ادبی مراعات نظیر: دل، زبان، دندان و گوش

قلمرو فکری معنی: روباه به خودش گفت: اگر من زنده بمانم دیگر اهمیتی ندارد که دندان، گوش یا زبان نداشته باشم. (همین که زنده بمانم خوب است.)

## عقار نیشابوری

دگر کس آمد و گفت: اختیار است  
دل روبه، که رنجی را به کار است

قلمرو زبانی به کار بردن صفت «دگر» در جایگاه وابسته پیشین: «دگر کس»

قلمرو ادبی ردیف: است / «رنجی را به کار است»: کنایه از در مشکلی و جایی به درد من می خورد.

قلمرو فکری معنی: شکارچی دیگری آمد و گفت: دل روباه به کار من می آید و در جایی به درد من می خورد.

عطار نیشابوری

چو نام دل شنید از دور، روباه جهان بر چشم او شد تیر، آن گاه

**قلمرو زبانی** «چو»: هنگامی که / دل: منظور قلب است

**قلمرو ادبی** «جهان بر چشم او تاریک شد»: کنایه از سرش گیج رفت / دل، چشم: مراعات نظیر

**قلمرو فکری** معنی: هنگامی که روباه از دور نام دل را شنید، ناگهان سرش گیج رفت.

عطار نیشابوری

به دل می‌گفت: با دل نیست بازی کنون باید به کارم حیل‌سازی

**قلمرو زبانی** ترکیب‌سازی: حیل‌سازی / کاربرد «به» در معنی «در»: کنون باید به کارم حیل‌سازی

**قلمرو ادبی** «با دل نیست بازی»: کنایه از با دل نمی‌توان شوخی داشت / واژه‌آرایی (تکرار): دل

**قلمرو فکری** معنی: به خودش می‌گفت: که دیگر با دل نمی‌توان شوخی داشت و حالا باید چاره‌ای بیندیشم. (حیل‌های جدید طراحی کنم.)

عطار نیشابوری

بگفت این و به صد دستان و تزویر بخت از دام، هم‌چون از کمان، تیر

**قلمرو زبانی** دستان: فریب، نیرنگ / تزویر: دورویی، گول زدن / استفاده از «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده: بگفت / واژگان کهن: دستان / کاربرد شبکه معنایی: دستان، تزویر، دام / کاربرد «به» در معنی «با»: به صد دستان و تزویر بخت از دام

**قلمرو ادبی** کمان و تیر: مراعات نظیر / بخت از دام هم‌چون از کمان تیر: تشبیه (بختن روباه از دام به بختن تیر از کمان شبیه شده است.)

**قلمرو فکری** معنی: پیش خودش می‌گفت (تکرار می‌کرد) و با صد حیل و فریب، مثل تیری که از کمان می‌جهد از دام فرار کرد.

عطار نیشابوری

صدش دل، صدش بس کفایت است که در عالم، حدش در گرفت است

**قلمرو زبانی** واژگان کهن: بس (بسیار) / حدیث: سخن / شگفت: عجیب

**قلمرو ادبی** قافیه: شگفت، گرفت (کتاب درسی «گرفته» آورده است.) / ردیف: است / واژه‌آرایی (تکرار): حدیث

**قلمرو فکری** معنی: سخن و داستان دل، بسیار عجیب و ارزشمند است برای همین است که در همه دنیا نامش پیچیده است.

اقبال لاهوری

نهنگی بچه خود را چه خوش گفت: به دین ما حرام آمد کرانه

**قلمرو زبانی** «را» در معنی «به» / دین: آیین / کرانه: ساحل

**قلمرو ادبی** نهنگ و کرانه: مراعات نظیر / قالب شعر: قطعه / ما، را: جناس

**قلمرو فکری** معنی: نهنگی به فرزند خود چه زیبا آموزش داد که در دین و آیین ما آسودن در ساحل دریا ممنوع و حرام است. / مفهوم: سرزنش آسودگی و تنبلی، دعوت به پویایی و تلاش

اقبال لاهوری

به موج آویز و از ساحل بهر میز به دریاست ما را آشیانه

**قلمرو زبانی** «را» فک اضافه ← ما را آشیانه: آشیانه ما

**قلمرو ادبی** موج: استعاره از سختی‌ها / «به موج آویز»: کنایه از خود را آماده خطر کن / موج، ساحل، دریا: مراعات نظیر

**قلمرو فکری** معنی: خود را به امواج سختی‌ها ببنداز و از ساحل آرام دوری کن چراکه آشیانه ما همان دریای پرتلاطم است. / مفهوم: توصیه به خطرپذیری و ریسک، سرزنش تنبلی و عافیت‌طلبی





## صائب تبریزی

برکه زین گلشن، بی خندان تراز گل بیدش |  
خاطری فارغ ز عالم چون تو گل بیدش

قلمروبانی گلشن: بوستان، باغ / فارغ: آسوده

قلمروادبی قالب شعر: غزل / خندیدن گل: تشخیص / گلشن و گل: مراعات نظیر / چون تو گل: تشبیه

قلمروفکری معنی: هر کسی که در این جهان می خواهد مانند گل بخندد، باید خاطر و ذهنش تو گل به خداوند باشد. / مفهوم: تو گل به خداوند موجب پیروزی و برخورداری است.

## صائب تبریزی

خرده ای از مال دنیا در بساط هر که بست |  
جبهه واکرده ای پیوسته چون گل بیدش

قلمروبانی خرده: چیز اندک، کوچک / بساط: گستردنی / جبهه: پیشانی

قلمروادبی «جبهه واکرده»: کنایه از خوش رویی / چون گل: تشبیه / جبهه واکردن گل: تشخیص

قلمروفکری معنی: اگر اندکی از مال دنیا (دارایی و ثروت) در اختیار داری باید مانند گل همیشه خوش رو و خندان باشی. / مفهوم: قانع بودن، راضی و خرسند بودن به داشته ها

## صائب تبریزی

بر که می خواهد که از سنجیده گفتاران شود |  
بر زبان، بند کرانی از تامل بیدش

قلمروبانی سنجیده گفتار: آن که گفتار موزون دارد، کسی که پخته و متین سخن می گوید / گران: سنگین / تأمل: اندیشه کردن

قلمروادبی «بند گران بر زبان داشتن»: کنایه از سکوت و سنجیده گویی / تأمل مانند بند گران است: تشبیه

قلمروفکری معنی: هر کس می خواهد پخته و متین سخن بگوید باید پیش از سخن گفتن خوب بیندیشد. / مفهوم: توصیه به سکوت و سنجیده گویی

## صائب تبریزی

صبر بر جور فلک کن تا برآی روشید |  
دانه چون در آسیا اقمه تحمل بیدش

قلمروبانی جور: ستم، ظلم / فلک: گردون، آسمان / آسیا: آسیاب

قلمروادبی «روسفید شدن»: کنایه از حفظ آبرو و اعتبار / جور فلک: تشخیص / تحمل کردن دانه: تشخیص / دانه و آسیا: مراعات نظیر / مصراع دوم «مثل» است.

قلمروفکری معنی: باید بر ظلم و ستم روزگار صبر کرد تا آبرو و اعتبارت حفظ شود، مثل دانه ای که وقتی در آسیاب می افتد باید سختی ها را تحمل کند. / مفهوم: صبوری در برابر تقدیر (قضا و قدر)، صبر کلید پیروزی است.

## صائب تبریزی

قطره آبی که دارد در نظر کوهر شدن |  
از کنار ابر تا دریا ستم بیدش

قلمروبانی گوهر: جواهر / تنزل: پایین آمدن

قلمروادبی قطره آب، ابر و دریا: مراعات نظیر / «دارد در نظر گوهر شدن»: کنایه از قصد بالارزش شدن (جوهر) دارد / این که قطره آب قصد گوهر شدن دارد: تشخیص / واج آرایبی: صامت «ر»

قلمروفکری معنی: قطره آبی که می خواهد ارزشمند (جوهر) شود، باید از ابر پایین بیفتد و تا ته دریا برود و سختی ها را تحمل کند. / مفهوم: توصیه به تواضع و فروتنی، فروتنی باعث کمال می شود. (در گذشته باور مردم بر این بود که قطره باران بر دهان صدف فرو می رود و بعد از مدتی تبدیل به مروارید می شود.)

## خودآرزیابی

- ۱ | مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید.
- ۲ | یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟
- ۳ | با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.  
آب را گل نکنیم؛ / در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب / یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر می‌شوید / یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد. /  
آب را گل نکنیم؛ شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شويد اندوه دلی؛ دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب ...

## سهراب سپهری

- ۴ | در خوانش دقیق شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

نهنگی بچه خود را چه خوش گفت؛  
به موج آویز و از ساحل پرهیز

## اقبال لاهوری

به دین ما حرام آمد کرانه  
همه دریاست ما را آشیانه

خاطری فارغ ز عالم چون تو گل بایدهش  
جبهه‌ای کرده‌ای پیوسته چون گل بایدهش  
بر زبان، بندگرانی از تأمل بایدهش  
دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایدهش  
از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدهش

هر که زین گلشن، لبی خندان‌تر از گل بایدهش  
خُرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست  
هر که می‌خواهد که از سنجیده گفتاران شود  
صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید  
قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن

- ۵ | با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار، بامداد، خوابگزاری را بخواند و پرسید که «تعبیر این خواب چیست؟»  
معتبر گفت: «زندگانی امیر، دراز باد، همه آقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان‌که کس از تو باز نماند.»  
خلیفه گفت: «این مرد را صد چوب بزنید؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟ چه اگر همه آقربای من پیش از من بمیرند، پس آن‌گاه من که باشم؟»

خوابگزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت.

خواب‌گزار گفت: «بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی‌تر از همه آقربای خویش بود.»

خلیفه گفت: «تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.»

## قابوس‌نامه

الف) دو ویژگی زبانی استخراج کنید.

ب) چه عاملی سبب شد خلیفه، رفتاری متفاوت با دو خواب‌گزار داشته باشد؟

- ۷ | حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری بررسی کنید.

روزی شخصی پیش بهلول، بی‌ادبی نمود. بهلول او را ملامت (سرزنش) کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟ او گفت: «چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند.»

## لطایف الطوائف

گفت: «آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است.»

۱ پاسخ هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، متن است: صدایی که می‌شنویم، بویی که حس می‌کنیم، رویدادی که می‌بینیم و مژه‌ای

که می‌چشیم و چیزی که لمس می‌کنیم، هر کدام متن به‌شمار می‌آیند.

۲ بررسی متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر (قلمروهای زبانی، ادبی و فکری)

۳ ۱. شاعر (سهراب سپهری) دیدگاهی اجتماعی دارد و می‌گوید همه مردم امکانات مشترکی دارند پس سعی کنیم قدر آن را بدانیم. حفظ منابع طبیعی و احترام به حقوق دیگران، پاسداری از طبیعت از شعر دریافت می‌شود. ۲. در این شعر آب، تمثیلی است برای تمام زندگی و گل نشانه نادرستی است؛ شاعر می‌گوید زندگی را بارزش بدانید و با چیزهای فاسد آن را آلوده نکنید، زیرا انسان‌هایی هستند که زندگی را دوست دارند.

۴ خوانش درست شعر (چشم خوانی) با هدف کشف لحن شعر؛

یک‌باره خواندن تمام شعر بدون گسست؛

این شعر لحنی «روایی - داستانی» دارد، زیرا یک داستان کوتاه با مفهوم تلاش و دوری از سستی و تنبلی است. در هنگام خواندن لازم است ویژگی‌های این لحن رعایت شود.





۵. کنایه: «خرده‌ای در بساط داشتن»: اندکی از مال دنیا را در اختیار داشتن

«جبهه واکرده داشتن»: خوش رویی

«روسفید برآمدن»: حفظ آبرو و اعتبار

«گوهر شدن»: بالارزش شدن

تشبیه: «خاطر فارغ» به «توگل» تشبیه شده است، «جبهه واکرده» به «گل» تشبیه شده است.

مثل: «دانه چون در آسیا افتد، تحمّل بایدش»

مراعات نظیر: «آب، ابر، دریا و قطره» / «گلشن و گل» / «مال، دنیا، خرده و بساط»

۶. کاربرد تاریخی دستور:

به کار بردن «ی» در آخر فعل به جای «می» استمراری: پنداشتی

به کار بردن «اندر» به جای «در»

۲. کمی واژگان عربی: اقربا (نزدیکان)، معتبر (خوابگزار)

۳. به کار بردن «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده: بگفت

۴. سادگی و روانی جملات

تفاوت در شیوه بیان و انتخاب کلمات موجب شد خلیفه، از دو گفته، برداشت‌هایی متفاوت داشته باشد. (خوابگزار اول، رویداد

ناگواری را به تلخی به خلیفه بازگو کرد و خوابگزار دوم، همان رویداد را با شیوه بیان مناسب گزارش داد.)

۷. قلمرو ادبی

مراعات نظیر: «آب، گل، لگد و سرشتن»

کنایه: «شرط چیزی را به جا آوردن»، «آب و گل مرا چنین سرشته‌اند»، «لگد کم خورده است»

تضاد: «ادب و بی‌ادبی»

ضرب‌المثل: «آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند اما لگد کم خورده است.» (دربارۀ کسی که به‌درستی تربیت نشده است و نویسنده با

طنز و تمسخر بیان کرده است.)

مجاز: «آب و گل»: گوهر و ذات انسان

قلمرو فکری

در این حکایت، نگرش تعلیمی حاکم است و نویسنده برای بیان هدف خود که همان «توجه به تربیت صحیح» است، این نکته را

یادآور می‌شود که خداوند اصل و سرشت نیکو به انسان می‌دهد منتهی باید آن را خوب پرورش داد.

(اهمیت تربیت‌پذیری، اهمیت گوش‌مالی و تنبیه در تربیت، آن چیزی که انسان را از بقیه متمایز می‌کند تربیت صحیح است.)

## پرسش‌های تشریحی

درس  
۱

### سؤالات درست / نادرست

۱. شعر «روباه و شکارچی» ظاهری ساده و ذهنی دارد.
۲. کوتاهی و بلندی جمله‌های یک متن را از طریق شناسایی نکات زبانی آن به‌دست می‌آوریم.
۳. در شناسایی و استخراج نکات ادبی به ترکیب‌سازی و وجود واژگان کهن توجه می‌کنیم.
۴. در شناسایی نکات زبانی شعر، عینک زیبایی‌شناسی به چشم می‌زنیم.
۵. در شناسایی و استخراج نکات زبانی، به یافتن واژگان قافیه و ردیف توجه می‌کنیم.
۶. قالب شعر «روباه و شکارچی» قطعه است.
۷. منظور از متن، فقط نوشته‌های روی کاغذ و کتاب است.
۸. آثار مکتوب ادبی به دو بخش شعر و نثر تقسیم می‌شوند.
۹. پیش از خوانش متن، ابتدا نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف وزن و آهنگ ضروری است.
۱۰. پیش از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای محتوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد.

۱۱. «نمی یارست» در مصراع «نمی یارست روبه را کم انگاشت» از ویژگی‌های قلمرو فکری است.  
 ۱۲. «شنیدن آوای پیرندگان» یک متن است.  
 ۱۳. «دانه چون در آسیا افتد تحمل بیدش» مثل است.

### سؤالات جای خالی

۱۴. نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون ..... است.  
 ۱۵. پس از کشف ..... مناسب با حال و هوای محتوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد.  
 ۱۶. نوشته «کلیله و دمنه، باب برزویه طیب» نمونه‌ای از متن ..... یا ..... است.  
 ۱۷. میان واژه‌های «گوش، زبان، دندان و دل» ..... وجود دارد که از طریق شناسایی نکات ..... فهمیده می‌شود.  
 ۱۸. «ترک غم گرفتن» آرایه ..... دارد و از طریق شناسایی نکات ..... فهمیده می‌شود.  
 ۱۹. بررسی قلمرو ..... نثر یا شعر در نهایت ما را به نتیجه‌گیری و تعیین نوع متن می‌رساند.  
 ۲۰. در بررسی و شناسایی و استخراج ..... عینک زیبایی‌شناختی به چشم می‌زنیم.  
 ۲۱. لازم است تمام اثر ..... و ..... خوانده شود تا درک طولی و فهم محتوایی دچار اختلال نشود.  
 ۲۲. پس از خوانش، به شناسایی و استخراج نکات ..... می‌پردازیم.  
 ۲۳. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها، بررسی متن از سه دیدگاه ..... و ..... است.  
 ۲۴. کاربرد «شیکه معنایی» در شناسایی و استخراج نکات ..... و آرایه «مراعات نظیر» در شناسایی و استخراج نکات ..... صورت می‌گیرد.  
 ۲۵. واژه‌های «دام، روبه، صیاد و گوش» ساختمان ..... دارند که در قلمرو ..... به آن پرداخته می‌شود.

### سؤالات وصل کردنی

۲۶. هر یک از موارد گروه «الف» به کدام قسمت گروه «ب» مربوط است؟

الف	ب
۱) بررسی ساختمان واژه	الف) خوانش
۲) ادبیات تعلیمی	ب) شناسایی نکات فکری
۳) بررسی لحن شعر	پ) شناسایی نکات ادبی
۴) بررسی تشبیه و استعاره	ت) شناسایی نکات زبانی
۵) بررسی دیدگاه شاعر	ث) نتیجه‌گیری و تعیین نوع

۲۷. هر کدام از بیت‌های ستون «الف» مربوط به کدام شاعر گروه «ب» است؟ (در ستون «ب» یک گزینه اضافی است.)

الف	ب
۱) نهنگی بچه خود را چه خوش گفت / به دین ما حرام آمد کرانه	الف) عطار نیشابوری
۲) به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه بازی اندیشید در راه	ب) صائب تبریزی
۳) هر که زین گلشن لبی خندان ترا ز گل بیدش / خاطری فایز ز عالم چون تو گل بیدش	پ) اقبال لاهوری
	ت) جامی

۲۸. هر یک از موارد ستون «الف» مربوط به کدام قلمرو در گروه «ب» است؟

الف	ب
۱) شعر عرفانی است.	الف) قلمرو زبانی
۲) زبان شعر ساده و جمله‌ها کوتاه است.	ب) قلمرو ادبی
۳) قالب شعر غزل است.	پ) قلمرو فکری





## سؤالات گزینه‌ای

۲۹. همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینهٔ ..... حاصل استخراج نکات زبانی متن زیر است.  
 «آن مرد خلاص خود را به طریقی می‌جست. پیش خویش زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت. چیزی از آن به لب برد. از نوعی در حالات آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است.»
- (۱) ترکیب «زنبورخانه» در معنی لانهٔ زنبور  
 (۲) «شهد» در معنای عسل به کار رفته است.  
 (۳) نشانهٔ «نه» منفی‌ساز فعل  
 (۴) متن جزء ادبیات تعلیمی است.
۳۰. در کدام بیت از «مثل» استفاده شده است؟  
 (۱) خرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست  
 (۲) هر که می‌خواهد که از سنجیده گفتاران شود  
 (۳) صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید  
 (۴) قطرهٔ آبی که دارد در نظر گوهر شدن
۳۱. در همهٔ گزینه‌ها «کنایه» به کار رفته است؛ به جز .....  
 (۱) زبانش را برید آن مرد، ناگاه  
 (۲) به دام افتاد روباهی سحرگاه  
 (۳) چو نام دل شنید از دور روباه  
 (۴) به دل، روباه گفتا، ترک غم‌گیر
۳۲. در کدام گزینه، کاربرد واژهٔ «قاتل» متفاوت است؟  
 (۱) به خونم گر بیالاید دو دست نازتین شاید  
 (۲) بس دروغ و عشوه‌ات را گوش کرد  
 (۳) مرا هرآینه روزی تمام کشته ببینی  
 (۴) بردند پیش قاضی از قتل من حکایت
۳۳. پیام حکایت زیر چیست؟  
 «روزی شخصی پیش بهلول، بی‌ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند.  
 گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است!»
- (۱) توجه به تربیت صحیح  
 (۲) سرزنش تنبیه  
 (۳) اهمیت تربیت ناپذیری  
 (۴) توجه به خلقت انسان
۳۴. معنی چند واژه در مقابل آن درست آمده است؟  
 (دستان: نیرنگ)، (تزویر: دورویی)، (گازر: رخت‌شوی)، (حلاوت: شیرین)، (اقربا: نزدیک)، (ملامت: ناراحت)
- (۱) ۲ (۲) ۳ (۲) ۴ (۳) ۵ (۴)
۳۵. با توجه به قلمرو ادبی، در بیت زیر کدام آرایه به کار رفته است؟  
 «خرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست  
 (۱) تشبیه  
 (۲) مراعات‌نظیر  
 (۳) کنایه  
 (۴) تلمیح
۳۶. کدام مورد در بررسی شعر از دیدگاه ادبی مطرح است؟  
 (۱) ترکیب‌سازی  
 (۲) کاربرد تاریخی دستور  
 (۳) واژگان کهن  
 (۴) قالب شعر

۳۷. در کدام بیت «کاربرد تاریخی دستور» دیده می‌شود؟

- (۱) ز آن‌که آواز تو را در بند کرد
- (۲) هر که او مرد بود باک ندارد ز غمی
- (۳) آن‌که نمرده است و نمیرد تویی
- (۴) گریز از کفش در دهان نهنگ

۳۸. کدام بیت، نمی‌تواند قالب مثنوی باشد؟

- (۱) بهار عاشقان رخسار یار است
- (۲) من آن مرغم که افکندم به دم صدبلا خود را
- (۳) شایان دست مردم گوهر شناس نیست
- (۴) به گردون می‌رسد فریاد یارب یاریم شب‌ها

۳۹. در کدام گزینه به نام پدیدآورنده «الهی‌نامه» اشاره شده است؟

- (۱) باغ هم چون کلبه یزاز پر دیبا شود
- (۲) سعدها و نحس‌ها دانسته‌ای
- (۳) ساقی، مگر وظیفه حافظ، زیاده داد
- (۴) شاه‌ها به مثل دولت تو زین جام است

● با توجه به حکایت زیر به ۴ سؤال بعدی پاسخ دهید.

«آورده‌اند که در آبیگری سه ماهی بود. دو حازم و یکی عاجز. از قضا، روزی دو صیاد بر آن بگذشتند. با یکدیگر میعاد نهادند که جال بیاورند و هر سه را بگیرند. ماهیان این سخن بشنودند. آن‌که حزم زیادت داشت، سبک، روی به کار آورد و از آن جانب که آب در می‌آمدی، برفور بیرون رفت. در این میان صیادان برسیدند و هر دو جانب آبیگر محکم بیستند. دیگری هم غوری داشت، نه از پیرایه خرد عاطل بود و نه از ذخیرت تجربت بی بهره بود، با خود گفت: غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد و اکنون وقت حیلست است...»

۴۰. با توجه به استخراج نکات زبانی کدام غلط است؟

- (۱) فراوانی واژه‌های عربی
- (۲) حذف فعل به قرینه
- (۳) به کار نبردن واژگان کهن
- (۴) آوردن «ب» در ابتدای فعل ماضی

۴۱. با توجه به استخراج نکات ادبی، کدام آرایه در متن به کار نرفته است؟

- (۱) تضاد
- (۲) جان بخشی
- (۳) تشبیه
- (۴) تلمیح

۴۲. با توجه به استخراج نکات فکری، کدام مفهوم از متن بالا برداشت می‌شود؟

- (۱) دوراندیشی
- (۲) بی تجربگی
- (۳) ناامیدی
- (۴) دانش اندوزی

۴۳. ساختمان همه واژه‌ها یکسان است به جز.....

- (۱) حازم
- (۲) ماهیان
- (۳) صیاد
- (۴) تجربت

۴۴. در کدام گزینه نوع «را» متفاوت است؟

- (۱) در این پیدا نهانی را چو دیدی
- (۲) مستی است کلید در گنجینه اسرار
- (۳) دست مرا که ساخته‌ای زیر دست غیر
- (۴) گر سوزن جفایت خون مرا بریزد





۴۵. با توجه به شعر زیر کدام گزینه نادرست است؟

- نهنگی بچۀ خود را چه خوش گفت؛ به دین ما حرام آمد کرانه  
به موج آویز و از ساحل بپرهیز همه دریاست ما را آشیانه
- (۱) «به موج آویختن» کنایه است از «خود را آماده خطر کردن» (قلمرو فکری)  
(۲) «را» در معنای حرف اضافه «به» به کار رفته است. (قلمرو زبانی)  
(۳) قالب شعر «قطعه» است و شعر جناس دارد. (قلمرو ادبی)  
(۴) مفهوم شعر «سرزنش تنبلی و عاقبت‌طلبی» است. (قلمرو فکری)

۴۶. با توجه به عبارت «پس، من دنیا را بدان چاه پیرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها را به شب و روز و

چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است.» اطلاعات کدام گزینه به «قلمرو فکری» نویسنده نزدیک‌تر است؟

- (۱) نگرش خردگرا - توصیه به هوشیاری  
(۲) نگرش بدبینانه - توصیه به توکل  
(۳) نگرش جبرگرا - توصیه به عبادت  
(۴) نگرش خردگرا - توصیه به خوش‌باشی
۴۷. در همهٔ گزینه‌ها ویژگی «کاربردهای کهن واژگان» که امروزه به‌گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شود، برجسته است؛ به جز.....

- (۱) جوهر معنی من بوذر شده  
(۲) بی‌وزن و سبک چو باد گشتی  
(۳) به عبرت در آن کشتگان بنگریست  
(۴) ره می‌نبریم و هم طمع می‌نبریم
- در یقین چون مالک‌اشتر شده  
از شاخ به شاخ بس که جستی  
بخندید پیدا و پنهان گریست  
نتوان دانست بو که نتوان دانست

۴۸. کاربرد فعل «گسستن» در کدام گزینه یا عبارت «موشان در بریدن شاخ‌ها جد بلیغ می‌نمایند و... چندان که شاخ بگسست و آن بیچارهٔ حریص در دهان اژدها افتاد.» یکسان نیست؟

- (۱) از بریشانی، دل صد پاره را شیرازه کن  
(۲) تا گسست از رشتهٔ مریم ز چشم دوربین  
(۳) شرط همراهی ما بی‌خبران ترک خودی است  
(۴) غافل مشو ز پاس دل ماکه بارها
- تار و بود جسم تا از یک دگر نگسسته است  
ز اطلس گردون، مجرّد سوزن عیسی گذشت  
هر که از خویش گسسته است، به ما پیوسته است  
زنجیر زلف را به تپیدن گسسته است

۴۹. وجود بعضی از واژگان در همهٔ آیات، یادآور نقد شعر عطار در کتاب درسی است؛ به جز.....

- (۱) تو پاک باش و مدارای برادر از کس پاک  
(۲) چه خوش گفت آن تهی‌دست سلحشور  
(۳) بیاموزم این کودکان را همی  
(۴) دو سوراخ چون روبه حیل‌ساز
- زنند جامهٔ ناپاک گازران بر سنگ  
جوی زر بهتر از پنجاه من زور  
برون زین نیارم زدن خود دمی  
یکی سوی شهوت یکی سوی آز

(سراسری ۱۴۰۲)

### سؤالات پاسخ کوتاه

۵۰. نخستین گام مؤثر در رویارویی با متن کدام است؟  
۵۱. در کتاب علوم و فنون مقصود از متن چیست؟  
۵۲. آخرین گام در تحلیل متن چه نام دارد؟  
۵۳. خواندن متن پس از چه مرحله‌ای صورت می‌گیرد؟  
۵۴. استخراج کنایه و تشبیه در کدام قلمرو صورت می‌گیرد؟  
۵۵. بهره‌گیری از تمثیل جزء کدام قسمت از تحلیل متن است؟  
۵۶. هر یک از موارد «روحیات و اعتقادات» و «وزن و قافیه» در کدام یک از قلمروها بررسی می‌شوند؟  
۵۷. ویژگی‌های زیر، جزء کدام قلمرو محسوب می‌شوند؟  
الف) بررسی جایگاه ردیف در مصراع‌ها؛ .....  
ب) بررسی پیچیدگی و سادگی زبان شعر؛ .....
۵۸. برای درک ارتباط طولی و فهم محتوای اثر، متن باید چگونه خوانده شود؟

۵۹. هنگام کالبدشکافی ادبی، باید با چه دیدی به شعر نگاه کرد؟
۶۰. هر کدام از گزینه‌های زیر، چه متنی هستند؟
- الف) کتاب بوستان سعدی  
ب) بوی غذا
۶۱. لحن شعر «روباہ و شکارچی» (به دام افتاد روباہی سحرگاه) چگونه است؟
۶۲. بین واژه‌های «زهر و شہد» چه آرایه‌ای وجود دارد؟ این آرایه در کدام مرحلهٔ تحلیل متن بررسی می‌شود؟
۶۳. برای فهمیدن معنی یک واژه در شعر و نثر، از طریق شناسایی و استخراج کدام مرحلهٔ تحلیل متن امکان‌پذیر است؟
۶۴. کاربرد حرفی مثل «را» و معنای متفاوت آن، در کدام مرحله از تحلیل متن بررسی می‌شود؟
۶۵. پیام کلی بیت زیر چیست؟
- علم چندان که بیش‌تر خوانی  
چون عمل در تو نیست نادانی
۶۶. با توجه به بیت زیر، یک ویژگی برای قلمرو ادبی بیابید.
- قطرہ آبی که دارد در نظر گوهر شدن  
از کنار ابر تا دریا تنزل بآیدش

### سؤالات پاسخ کامل

۶۷. چرا هر چه در اطراف ماست از بویایی یا شنیداری یک متن به حساب می‌آیند؟
۶۸. در بررسی و تحلیل یک متن باید به چه نکاتی توجه کرد؟
۶۹. متن را با ذکر مثال توضیح دهید. بنویسید کتاب‌ها چه نوع متنی هستند؟
۷۰. در خوانش شعر به چه نکاتی توجه می‌کنیم؟
۷۱. قدیمی‌ترین انواع طبقه‌بندی در کجا صورت گرفته است؟ انواع ادبی آن را نام ببرید و بنویسید تقسیم‌بندی آن‌ها مبتنی بر چه بود و چه جنبه‌ای داشت؟
۷۲. با توجه به حکایت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
- «روزی شخصی پیش بهلول بی‌ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به‌جا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند اما لگد کم خورده است.»
- الف) یک کنایه در عبارت مشخص کنید.
- ب) دو ویژگی زبانی بیابید و بنویسید.
- پ) یک تمثیل بیابید.
- ت) معنی واژه «ملامت» چیست؟ در کدام قلمرو بررسی می‌شود؟
- ث) با توجه به نتیجه‌گیری و تعیین نوع و قلمرو فکری، متن در حوزهٔ کدام نوع ادبی قرار می‌گیرد؟
- ج) حکایت را از نظر قلمرو فکری بررسی کنید.
۷۳. با توجه به شعر زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
- «آب را گل نکنیم / در فرودست انگار کفتری می‌خورد آب / یا که در بیشهٔ دور، سیره‌ای پَر می‌شوید / یا در آبادی کوزه‌ای پُر می‌گردد / آب را گل نکنیم / شاید این آب روان می‌رود پای سپیداری تا فرو شوید اندوه دلی / دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب»
- الف) شعر را از نظر قلمرو فکری بررسی کنید.
- ب) واژگانی مانند «فرودست و خشکیده» ساختمانی ..... دارند و در شناسایی نکات ..... بررسی می‌شوند.
- پ) یک مراعات نظیر بیابید.
- ت) با توجه به شعر، درست یا نادرست بودن هر عبارت را مشخص کنید.
- (۱) اکثر واژگان شعر، فارسی است.
- (۲) «را» در معنای حرف اضافهٔ «به» در متن به کار رفته است.
- ث) با توجه به قلمرو فکری، کدام بیت با شعر سؤال، تناسب معنایی دارد؟
- (۱) درخت دولت من بی‌خلاف خشک شود / اگر نبارد کف بر او به جای سحاب (ابر)
- (۲) درخت نکو باش ای سربلند / چنان زی که در سایه‌ات خوش زیند

- درست  نادرست
- درست  نادرست



۳  
بخش



پاسخ‌نامه

## درس ۱

گزینه ۳۰	مصرع دوم گزینه ۳ مثل است.
گزینه ۳۱	در گزینه های دیگر به ترتیب «به روبه بازی اندیشیدن»، «جهان بر چشم تیره شدن» و «ترک غم گرفتن» کنایه اند.
گزینه ۳۲	در این گزینه واژه «قاتل» در معنی کشنده برای غیرانسان به کار رفته است. زهر قاتل: زهر کشنده
گزینه ۳۳	از عبارت «آب و گل تو را نیکو سرشته اند اما لگد کم خورده است» توجه به تربیت صحیح استنباط می شود.
گزینه ۳۴	حلاوت: شیرینی، اقربا: نزدیکان، ملامت: سرزنش
گزینه ۳۵	تشبیه: چون گل / مراعات نظیر: خرده، مال، بساط / کنایه: جبهه واکرده (کنایه از خوش رویی)
گزینه ۳۶	سایر گزینه ها در قلمرو زبانی بررسی می شوند.
گزینه ۳۷	مرده کرد
گزینه ۳۸	در مثنوی هر دو مصرع با هم، هم قافیه هستند. در سایر گزینه ها به ترتیب: یار و بهار، بلا و مبتلا و شب ها با رب ها واژگان قافیه اند.
گزینه ۳۹	الهی نامه از عطار نیشابوری است.
گزینه ۴۰	واژگان کهن: جال، غور فراوانی واژگان عربی: حازم، عاجز، قضا، صیاد، میعاد و ... / حذف فعل به قرینه: در آگیری سه ماهی بود. دو حازم (بود) / آوردن «ب» در ابتدای فعل ماضی: بگذشتند، بشنودند، برسیدند...
گزینه ۴۱	تضاد: حازم و عاجز / جان بخشی: ماهیان این سخن بشنودند / تشبیه: پیرایه خرد
گزینه ۴۲	معنی حکایت: در برکه ای سه ماهی زندگی می کردند؛ دو تا محتاط و یکی ناتوان. اتفاقاً روزی دو صیاد از آن جا می گذشتند و با یکدیگر قرار گذاشتند که دام بیاورند و هر سه ماهی را صید کنند. ماهی ها این سخنان را شنیدند؛ آن ماهی که خیلی محتاط بود سریع اقدامی کرد و از آن سو که آب داخل می شد، فوراً بیرون رفت. در همین حین، ماهی گیران رسیدند و دو طرف آبگیر را محکم بستند. ماهی دوم که از خرد و تجربه بهره ای داشت به خودش گفت: نادانی کردم و پایان کار انسان نادان گرفتاری و مرگ است الان زمان چاره اندیشی و حيله است.
گزینه ۴۳	ماهی + ان: غیرساده؛ سایر گزینه ها ساختمان ساده دارند.

ردیف	درست / نادرست
۱	نادرست؛ ظاهری ساده و عینی دارد
۲	درست
۳	نادرست؛ مربوط به شناسایی و استخراج نکات زبانی است.
۴	نادرست؛ مربوط به شناسایی و استخراج نکات ادبی است.
۵	نادرست؛ مربوط به استخراج نکات ادبی است.
۶	نادرست؛ قالب شعر «روایه و شکارچی» مثنوی است.
۷	نادرست؛ صدایی که می شنویم، بویی که حس می کنیم، رویدادی که می بینیم و مزه ای که می چشیم و چیزی که لمس می کنیم، هر کدام متن به شمار می آیند.
۸	درست
۹	نادرست؛ برای کشف لحن و آهنگ ضروری است.
۱۰	نادرست؛ پس از
۱۱	نادرست؛ از ویژگی های قلمرو زبانی است.
۱۲	درست
۱۳	درست
جای خالی	
۱۴	خواندن دقیق متن
۱۵	لحن
۱۶	تعلیمی، اندرزی
۱۷	شبکه معنایی، زبانی
۱۸	کنایه، ادبی
۱۹	فکری
۲۰	نکات ادبی
۲۱	یک باره، بی گسست
۲۲	زبانی
۲۳	زبان، ادبیات، فکر
۲۴	زبانی، ادبی
۲۵	ساده، زبانی
وصل کردنی	
۲۶	۱: ت / ۲: ث / ۳: الف / ۴: پ / ۵: ب
۲۷	۱: پ / ۲: الف / ۳: ب
۲۸	۱: پ / ۲: الف / ۳: ب
سوالات گزینگی	
گزینه ۴۹	ادبیات تعلیمی در قلمرو فکری و نتیجه گیری و تعیین نوع بررسی می شود.





سؤالات پاسخ کامل	
۶۷	زیرا هر چیزی که با حواس پنج‌گانه درک شود، متن به حساب می‌آید.
۶۸	۱) خوانش (۲) شناسایی و استخراج نکات زبانی (۳) شناسایی و استخراج نکات ادبی (۴) شناسایی و استخراج نکات فکری (۵) نتیجه‌گیری و تعیین نوع
۶۹	هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد متن است. مثل صدایی که می‌شنویم، بویی که حس می‌کنیم و ... / کتاب‌ها متن دیداری هستند و اگر خوانده شوند به آن‌ها شنیداری یا خوانداری می‌گوییم.
۷۰	۱) پیش از خوانش نگاهی کلی به متن می‌اندازیم (۲) کشف لحن و آهنگ (۳) خوانش یک‌باره و بی‌گسست متن
۷۱	یونان باستان - حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی - مبتنی بر شعر و جنبه محتوایی
۷۲	الف) لگد کم خورده است. آب و گل مرا چنین سرشته‌اند ب) کمی واژگان عربی: شخص، ملامت، شرط و ادب / متن ساده و قابل فهم است / اکثر جمله‌ها کوتاه هستند. پ) «آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند اما لگد کم خورده است.» ت) سرزنش. قلمرو زبانی ث) تعلیمی ج) نویسنده برای بیان هدف خود که همان «توجه به تربیت صحیح است» این نکته را یادآور می‌شود که خداوند اصل و سرشت نیکو به انسان می‌دهد، منتهی باید آن را خوب پرورش داد / اهمیت تربیت‌پذیری، آنچه انسان را از بقیه متمایز می‌کند، تربیت صحیح است.
۷۳	الف) ۱- شاعر دیدگاهی اجتماعی دارد و می‌گوید همه مردم امکانات مشترکی دارند پس سعی کنیم قدر آن را بدانیم و به حقوق دیگران احترام بگذاریم. ۲- پاسداری از طبیعت از شعر دریافت می‌شود. ۳- در این شعر آب، تمثیلی است برای تمام زندگی و گل نشانه نادرستی است. ۴- شاعر می‌گوید زندگی را با ارزش بدانید و با چیزهای فاسد آن را آلوده نکنید زیرا انسان‌هایی هستند که زندگی را دوست دارند. ب) غیرساده، زبانی پ) مراعات نظیر: کفتر و سیره / آب و کوزه / پا و دست ت) ۱- درست ۲- نادرست؛ را در تمام جملات نشانه مفعول است. ث) ۲؛ با توجه به صورت سؤال و گزینه ۲؛ هر دو دعوت به نیکویی دارند و نیکوکاری در حق دیگران مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت دوم است.
۷۴	الف) ۱- سرزنش آسودگی و تنبلی و دعوت به پویایی و تلاش ۲- توصیه به خطرپذیری و ریسک ب) ۱- جناس: ما، را ۲- مراعات نظیر: موج، ساحل و دریا، نهنگ و کراته ۳- کنایه: به موج آویختن پ) قالب قطعه ت) مصراع اول: حرف اضافه و معنای «به»، قلمرو زبانی

۴۴	گزینه ۲» «را» در گزینه‌های دیگر نشانه مفعول است و در گزینه «۲» حرف اضافه است مرا ده: به من ده
۴۵	گزینه ۱» به موج آویختن کنایه است و در قلمرو ادبی بررسی می‌شود.
۴۶	گزینه ۱» عبارت سؤال، بیانگر «نگرش خردگرای» نویسنده و توصیه او به «هوشیاری» است.
۴۷	گزینه ۱» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۲: شاخ: شاخه گزینه ۳: بنگریست: نگریست گزینه ۴: می‌نبریم: نمی‌بریم / نتوان دانست: نمی‌توان دانست / بوکه: باشد که، بود که
۴۸	گزینه ۴» در این گزینه «گسست» به معنای پاره کردن و جدا کردن است و حتماً مفعول می‌خواهد، اما در عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها در معنای «بریده و جدا شده» است و مفعول نمی‌خواهد.
۴۹	گزینه ۲» به ترتیب «گازران» در گزینه ۱، «نیارم زدن» در گزینه ۳ و «روبه» و «حیله ساز» در گزینه ۴ یادآور واژگان گازر، نمی‌بارست و روبه‌بازی و حیله‌سازی هستند.
سؤالات پاسخ کوتاه	
۵۰	خواندن دقیق متن
۵۱	آثار شعر و نثر فارسی
۵۲	نتیجه‌گیری و تعیین نوع
۵۳	شناسایی لحن مناسب با حال و هوای محتوای اثر
۵۴	قلمرو ادبی
۵۵	قلمرو ادبی
۵۶	قلمرو فکری، قلمرو ادبی
۵۷	الف) قلمرو ادبی (ب) قلمرو زبانی
۵۸	متن باید یک‌باره و بی‌گسست خوانده شود.
۵۹	زیبایی شناختی
۶۰	الف) متن دیداری (ب) متن بویایی
۶۱	روایی و داستانی
۶۲	آرایه تضاد، قلمرو ادبی
۶۳	شناسایی و استخراج نکات زبانی (قلمرو زبانی)
۶۴	شناسایی و استخراج نکات زبانی (قلمرو زبانی)
۶۵	دانایی هرکس به عمل اوست (علم به تنهایی کافی نیست).
۶۶	مراعات نظیر بین قطره، دریا، ابر